

بررسی نظریات جرم شناسان دائر بر تاثیر محیط اجتماعی بر ارتکاب جرم

صادق بابایی

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد، دانشکده پردیس علوم تحقیقات شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، شهریار، ایران

Sadegh.az1370@gmail.com

چکیده

بررسی جغرافیایی نخستین کوشش علم جغرافیا در باب تحلیل رابطه میان محیط و رفتار انسان است. براساس این رویکرد، اوضاع محیط طبیعی (اقلیم) نقشی تعیین کننده در ادراک، احساس و رفتار مجرمانه دارد. مکتب جغرافیای جنایی در سال ۱۸۳۰ به وجود آمد و چند دهه عمر کرد ولی امروزه به شکل اولیه آن، در جامعه شناسی جنایی مطرح نیست. جغرافیای جنایی را دو ریاضیدان و حقوقدان به نام های کتله بلژیکی و گری فرانسوی پایه گذاری کردند. کتله ریاضیدان و متخصص آمار بود و از طریق ریاضیات و آمار رفتارهای انسانی را بررسی می کرد و در فرانسه، آمار جنایی را با کمک گری ایجاد کرد و ارتباط آنرا با محیط طبیعی مورد بررسی قرار دادند و به این ترتیب تاثیر شرایط جغرافیایی، شرایط آب و هوایی و شرایط جوی را بر رفتار انسانها و از جمله بر رفتارهای مجرمانه مورد بررسی قرار دادند. این مکتب تا سال ۱۸۸۰ عمر کرد.

واژه های کلیدی: جرم، محیط طبیعی، مکتب جغرافیایی، جغرافیای جنایی

^۱ حاتمی نژاد، حسین؛ محمدی، روح الله؛ جغرافیای جنایی، مجله نور مگز، شماره ۶۹، بهار ۱۳۸۸.

مقدمه

هنجار و ناهنجاری دو واژه ای است که در علوم اجتماعی نقش بی بدیلی بازی می کنند. از همین رو یکی از دغدغه های اندیشمندان جوامع بشری طراحی و مهندسی مدینه فاضله ایی است که ساکنان آن بتوانند در آسایش و آرامش نسبی زندگی کنند و از رفتارهای هنجارمند برخوردار باشند و لذا بر این مینا سعی می کنند که جوامع مختلف را به سوی تعالی و کمال سوق دهند، اما نمی توان انکار کرد که آنچه نگاه ویژه ای را از سوی جامعه شناسان معطوف به جامعه نمود بیش از آنکه تبیین هنجارهای اجتماعی باشد تبیین هنجارهای صورت گرفته از سوی افراد جامعه است.^۲

از سوی دیگر هنجار شکنی و یا به تعبیر خاص تری بزهکاری یک پدیده بسیار پیچیده اجتماعی است که در محیط های مختلف اجتماعی به شکل های متفاوت دیده می شود. تعریف بزه و رفتار بزهکارانه در هر جامعه ای هم توسط قوانین حقوقی و هم توسط هنجارهای اجتماعی آن جامعه مشخص می شود. در هر حال مساله اجتماعی به معنای عام و آسیب های اجتماعی در رویکردی خاص، جز لاینفک هر جامعه ای شده است. این پدیده هم در جوامع سنتی روی می دهد و هم در جامعه مدرن یعنی نمی توان جامعه ای را پیدا کرد که تحولات مدرن را داشته باشد ولی با مساله اجتماعی رو به رو نباشد. بنابراین مساله اجتماعی وقتی روی میدهد که بین وضع موجود و وضع مطلوب مردم تفاوت محسوس باشد که در صورت تداوم، زمینه های کژ رفتاری را پدید می آورد. البته در جوامعی که در حال تجربه گذار از سنت به مدرنیته هستند این تفاوت محسوس تر است. به هر حال در این مورد تفاوتی بین جوامع وجود ندارد بلکه در همه جوامع، انواع جرم ها مشاهده می شود و هیچ جامعه ای نیست که با مساله مجرمیت روبه رو نباشد.^۳

بنابراین پیدایش جوامع و ارتکاب جرم از آغاز با یکدیگر همراه بوده اند، به طوری که مساله کجروی و بزهکاری و جرم به صورت یکی از حادثترین مسائل اجتماعی جوامع مختلف درآمده است.^۴

واکنش انسان متناسب با ساختار شخصیتی وی و ناشی از تاثیرات عوامل درونی و محیط بیرونی می باشد. به عبارت دیگر، انسان موجودی است متأثر از سه عنصر جسم و روان و اجتماع؛ و رفتارها و هنجارهای او تبلور این عناصر است. بنابراین پدیده بزهکاری به مثابه یک عمل انسانی، معلول عللی است که ریشه های آن در شخصیت روانی، ویژگیهای جسمی و یا در محیط زندگی افراد باید جستجو گردد.^۵

تعدد سرچشمه عوامل ناسازگاری و بزهکاری باعث شده است که از قدیم الایام هر محقق با اقتضای تخصص و دید علمی و انتقادی خود بزهکاری را معلول یکی از عناصر فوق بداند. گروهی عوامل مرتبط با شخصیت بزهکار اعم از روانی و زیستی را موجب بزهکاری دانسته و معتقدند که ویژگیهای روانی مانند پریشانی های عاطفی، اختلالات روحی، کند ذهنی، کژخویی، خودمحوری و خصوصیات جسمی، اختلالات دردستگاه های مختلف بدن، امراض نقص عضو، نقص در اختلالات کروموزومی و... علت اصلی بزهکاری بوده و در صورت وجود چنین عدم تعادلی در جسم یا روان فرد، احتمال سقوط وی به سوی بزهکاری وجود خواهد داشت. دسته دیگری از دانشمندان از نظر جامعه شناسی مدعی هستند که بزهکاری را نمی توان به وسیله اختلالات روانی و جسمی و عوامل درونی افراد توجیه نمود، زیرا این عوامل نقش چندانی در عینیت پدیده بزهکاری نداشته و تعداد کمی از بزهکاران از اختلالات روانی و عاطفی و جسمی رنج می برند، مضافاً این که اکثر عوامل روانی و جسمی در صورت وجود زمینه و شرایط مساعد می تواند توسط محیط خنثی و اثرات منفی آنها از بین برود. بنابراین نارساییهای محیط، مشکلات زندگی، شرایط نامناسب خانوادگی، کمبود محبت، ضعف تربیت و عدم استحکام باورهای مذهبی باعث ارتکاب بزهکاری گردیده و موجبی برای بروز ناسازگاری می باشد.^۶

^۲ نجفی توانا، علی، جرم شناسی، انتشارات آموزش و سنجش، چاپ پانزدهم، ۱۳۹۱، ص ۱۷۱

^۳ www.RASEKHON.NET / ARTICLE

^۴ Ibid

^۵ Ibid

^۶ نجفی توانا، ماخذ پیشین، ص ۱۷۱

جهت پیشگیری از جرم علاوه بر بزهکار باید مکان وقوع نیز مورد تاکید قرار گیرد تا با حذف فرصت های مجرمانه در محیط جغرافیایی امکان به حداقل رساندن میزان جنایت ها فراهم شود. آنچه مسلم است برخی مکان ها به دلیل ساختار کالبدی خاص و همچنین، ویژگی های اجتماعی - اقتصادی ساکنان آن، امکان و فرصت بیشتری برای وقوع جرم دارند، در مقابل برخی مکان ها مانع و بازدارنده فرصتهای مجرمانه هستند. همین امر موجب می شود بزهکاران در انتخاب محل جرم خود به دنبال کم خطر ترین و مناسب ترین فرصت ها و شرایط مکانی برای ارتکاب عمل مجرمانه باشند. بنابراین، شناسایی مکانی به وجود آورنده و تسهیل کننده این فرصت ها و ارائه رهنمود برای تغییر این شرایط و تبدیل آن به فضاهای مقاوم در برابر ناهنجاری های اجتماعی از مهم ترین اهداف بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در شهرها محسوب می شود. از این رو در این مطالعات سعی می شود ضمن بررسی توزیع قضایی و زمانی اعمال مجرمانه و تحلیل آن وابستگی میان عوامل محیطی و شرایط اقتصادی اجتماعی مکان های جرم خیز در محدوده های جغرافیایی مشخص شود. بنابراین، با تهیه نقشه های بزهکاری، رابطه فضای زندگی و حوزه های اجتماعی شهر، با رفتارهای ناهنجار مشخص می شود و از این طریق پیش بینی احتمالی محل های وقوع انواع جرایم در برخی محدوده های شهر امکان پذیر است. پاک سازی مکان های بروز انواع ناهنجاری های اجتماعی و جرایم سنگین یکی از دغدغه های مهم کشور در مقطع کنونی برای دست اندکاران قضایی و انتظامی کشور است. توجه به مکان، به عنوان عامل بی واسطه در وقوع جرم، در مقایسه با عوامل فردی یا ساختاری این امکان را محقق می سازد تا راه کارهای عملی تری برای پیشگیری از جرم ارائه گردد. از سوی دیگر تحلیل فضایی جرم در شهرها به شناسایی الگوهای رفتار مجرمانه و در نهایت به تغییر این شرایط و خلق فضاهای مقاوم در برابر جرم و رفع ناهنجاری های شهری کمک می کند. از این رو بررسی های مکانی از اهمیت به سزایی در مطالعه جرم برخوردار می باشد. نقشه ها و تحلیل های مکانی به طور وسیعی توسط گروه های مختلف پلیس برای برخورد، مدیریت و کنترل وقوع جرم مورد استفاده قرار می گیرد. همان طور که گفته شد، بزهکاران در انتخاب مکان و زمان جرم اغلب منطقی عمل می کنند و به دنبال کمترین خطر و مناسب ترین فرصت ها و شرایط مکانی و زمانی برای بزهکاری هستند. بدین ترتیب، در محدوده شهرها کانون هایی شکل می گیرد که دارای اهداف مجرمانه و تعداد جرایم بیشتری نسبت به دیگر مناطق شهر هستند. بنابراین، شناسایی و تحلیل فضایی این کانون ها اهمیت زیادی می یابد، تا با ایجاد تغییرات بنیادی در عوامل به وجود آورنده و تسهیل کننده فرصت های جرم، طراحی فضاهای کالبدی مقاوم در مقابل بزهکاری، امکان پیشگیری و مقابله با جرایم شهری فراهم گردد. برای وقوع جرم در مکان باید چهار عنصر اصلی وجود داشته باشد: قانون، بزهکار، هدف، مکان. یکی از عوامل کاهش امنیت و افزایش جرم محله های قدیمی و فرسوده اندک به دلیل ویرانی و فقدان بهداشت و اسکان و گاه تراکم جمعیت؛ به مکان های جرم خیز تبدیل شده اند. در این رابطه، برای کاهش جرم، برخی معتقدند که باید این بافت ها فرسوده خراب شوند و برخی دیگر معتقدند که باید با سرمایه گذاری عمومی و دولتی، در این بافت ها و رسیدگی به اسکان و رفاه مردم می توان از میزان جرم در این محل ها کاسته شود. به هم ریختگی فضایی و نبود انسجام اجتماعی عامل اصلی شکل گیری عامل اصلی شکل گیری کانون های جرم خیز دانسته اند. در واقع، شرایط محیطی چون ساختمان های متروک و خالی از سکنه، مخروبه ها و در کنار آن وجود کجروی های اجتماعی چون نزاع، شرارت و انواع مختلف خشونت و یا مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی و ولگردی باعث افزایش نا امنی و همچنین، تشویق و ترغیب افراد به جرم و جنایت می شود.^۷

جرم در مکان با موقعیت نسبی و ریاضی معین صورت می گیرد. بنابراین، مکان در درک جرم و چگونگی ارتکاب آن نقش حیاتی دارد. به نظر جرم شناسان محیطی جرم از چهار مولفه قانون، مجرم، هدف و مکان تشکیل شده است. در این میان مولفه مکان در تعیین داده های حاصل از رخداد اقلام جنایی از اهمیتی بیشتر برخوردار است. می توان براساس مکان رخداد جنایت ها در راستای تحلیل آنها گام برداشت و الگوهای حاکم بر آنها را شناسایی نمود. از دیرباز ترسیم نقشه های پونزی که

۷ ناروقه، نعمت الله؛ اله وردی میگونی؛ کاظمی جویباری، مهدی؛ فصلنامه علمی - پژوهشی و بین المللی انجمن جغرافیایی ایران شماره ۶۷، زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۲۴ و ۱۲۵

در تهیه آن در ادارات پلیس به شیوه دستی از حدود دو‌یست سال پیش مرسوم شده ریال‌نشان دهنده اهمیت جغرافیا در درک جرم بوده است. نقشه برداری جرم از اولین مرحله جمع آوری داده‌ها، نقش مهمی در عملیات پلیسی و فرآیند کاهش جرم (از طریق بازبینی و ارزیابی هر پاسخ مورد هدف) ایفا می‌کند که می‌تواند از طریق طراحی عملیات موفق آمیز در روبرویی با یک مسئله جرم، به مثابه سازوکاری مهم در مرحله مقدماتی اساسی تر پیشگیری از جرم عمل کند. کاربردهای نقشه برداری جرم عبارتند از: ثبت و نقشه برداری فعالیت های پلیس، پروژه های کاهش جرم، تماس های صورت گرفته با نیروی پلیس به منظور درخواست خدمات و گزارش حوادث جرم، حمایت از جلسات توجیهی ماموران پلیس از طریق شناسایی رخدادهای اخیر جرم و پیش بینی مکان های رخداد جرم در آینده، شناسایی نواحی بحرانی جرم به منظور هدف گذاری استقرار و تخصیص پاسخ های مناسب در مسیرهدف کاهش جرم، کمک به درک موثر توزیع جرم و کشف سازو کارها، پویایی ها و مولدهای فعالیت های جنایی از طریق تحلیل الگوها با استفاده از دیگر داده های محلی، نظارت بر تاثیر فعالیت های کاهش جرم، استفاده از نقشه به مثابه رسانه ای به منظور برقراری ارتباط با آمار عمومی جرایم نواحی و اجرای عملیات های مورد نیاز به منظور مقابله با مشکل جرم.^۸

در نتیجه نقشه برداری جرم به ابزار اساسی در پژوهش های مرتبط با جرم شناختی و تحلیل آماری تبدیل شده است. بررسی های متکی بر روش علمی و مبتنی بر اصول و روش های آماری درباره محیط جغرافیایی و جرم را برای اولین بار در نیمه اول قرن نوزدهم کتله و گری انجام دادند. برخی از منابع کتله را پدر آمار جنایی و از جمله پایه گذاران مکتب جغرافیایی جنایت معرفی کرده اند و گفته می‌شود که تحقیقاتش باعث شده اس، جرم پدیده اجتماعی تابع دو متغیر زمان و مکان شناخته شود.^۹

گفتار اول (تبیین نظرات جرم شناسان مبتنی بر زیست بوم شناختی کیفی این مکتب را که امروزه آمریکایی ها به آن نام اکولوژی (بوم شناسی) که شناسایی و تحقیق وابط فرد با محیط طبیعی است، داده اند کتله بلژیکی و گری فرانسوی پایه گذاری کردند و در بین سالهای ۱۸۳۰ تا ۱۸۸۰ در فرانسه گسترش و رونق بسیار یافت و تا انگلستان و آلمان ریشه دواند ولی بعد در بوته فراموشی فرو رفت زیرا مکاتب پر سرو صدایی چوم مکتب تحقیقی و مکتب محیط اجتماعی راه پیشرفت مکتب جغرافیایی را سد کردند و افکار را به طرف نظریه های جدید جلب کردند. به نظر کتله اجتماع مسئول تمام جرایمی است که اتفاق می افتد زیرا خود آنها را به وجود می آورد. در این میان بزهکار فقط یک واسطه و آلت اجرایی است. او کمتر جرایم را مسئول تباهی ها و فسادهای فردی می داند و معتقد است هر جرمی که رخ می دهد، تحت تاثیر شرایط و عوامل اجتماعی به وجود آمده است. یکی از مهمترین بررسی های کتله، تاثیر عوامل محیط طبیعی بر بزهکاری است که آمار فرانسه آن را به اثبات رسانده است. به طور کلی مکتب جغرافیایی ضمن توجه شدید به اجتماع و عوامل مختلفی که در آن به جرم، شکل و پیکره می دهند، تحقیقات اصلی خود را از رابطه محیط طبیعی با بزهکاری آغاز کرد و قانون حرارت را که مورد توجه سایر مکاتب بعدی نیز قرار گرفت، به وجود آورد و به وسیله آمارنوع جرم ارتكابی و دلایل افزایش و کاهش آن را در مناطق و زمانهای مختلف مورد بررسی قرار داد.

بند اول (مکتب جغرافیایی جنایی از دیدگاه آموزه های مکتب تحقیقی یکی از مهمترین بررسی های این گروه، تاثیر عوامل محیط طبیعی بر بزهکاری است که با استفاده از آمار کشور فرانسه به اثبات رسیده است. از جمله متفکرانی که در زمینه جرم شناسی تحقیقی به فعالیت پرداختند عبارت بودند از آندره گری و آدولف کتله که این دو نفر برای نخستین بار از طریق آمار و بررسی داده های آماری به ارزیابی جرایم پرداختند.^{۱۰}

۸ ماخذ پیشین، صص ۱۲۴ و ۱۲۵

۹ ماخذ پیشین، ص ۱۲۵.

۱۰ ابراهیمی، حامد، جرم شناسی تحقیقی، پایگاه اینترنتی حقوقدانان، به آدرس الکترونیکی حقوقدانان.

از نظر پیروان این مکتب دو امر اهمیت فوق العاده دارد، یکی تحقیق در علل بزهکاری به این منظور که با شناخت و بهبود عوامل جرم زا، میزان ارتکاب جرم کاهش یابد. دیگر طبقه بندی مجرمین، تا تعیین مجازات با توجه به خطر احتمالی هر طبقه از نظر دفاع اجتماعی و متناسب با شخصیت مجرم صورت گیرد.^{۱۱}

در این مکتب برای پیشگیری از وقوع جرم، به مبارزه با علل و عوامل جرم تاکید می شود و برای جلوگیری از تکرار جرم و دفاع اجتماعی، به شناسایی حالت خطرناک و اعمال اقدامات تامینی و تربیتی متناسب (تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم در مورد مجرمان خطرناک اتخاذ می کند) اهمیت داده می شود.^{۱۲} به طور کلی، بنیان مکتب تحقیقی یا اثباتی، بزه را یک بیماری اجتماعی تلقی می کردند و معتقد بودند که مجازات، عکس العمل اجتماعی در برابر جرم است و باید وسیله دفاع جامعه علیه جرم باشد. یعنی همان طور که بدن در برابر حمله میکروب های بیماری زا از خود دفاع می کند و عکس العمل نشان می دهد، اجتماع نیز باید در مقابل وقوع جرایم از خود دفاع کند و عکس العمل نشان دهد.

طرفداران این مکتب، با ادعای پیروان مکتب کلاسیک مبنی بر وجود اختیار و اراده انسان در ارتکاب جرم مخالف بودند و می پنداشتند که جرم، نتیجه عوامل درونی و بیرونی است. عوامل درونی متاثر از وضع مزاجی و وراثت بزهکار است و عوامل بیرونی هم از محیط اجتماعی و فیزیکی کسب می شود که بزهکار در آن زندگی می کند. آنها ضمن تاکید بر عدم آزادی اراده انسان در انجام اعمال خود، نتیجه گرفتند که موضوع اخلاص نظم عمومی و مسئولیت اخلاقی مجرم منتفی است و به جای باید به میزان خطری که مجرم برای جامعه دارد توجه کرد و براساس میزان و درجه حالت خطرناک مجرم تدابیری پیش بینی کرد تا جامعه از خطر بزهکاران در امام بماند. مکتب تحقیقی به این عقیده است که باید از اقداماتی استفاده شود تا جرم را قبل از وقوع آن جلوگیری کرد، که از این اقدامات به نام تدابیر امنیتی یاد می شود، یعنی این که وقتی برای جامعه ثابت شده باشد که شخص دست به عمل جرم می زند می توان قبل از انجام جرم یک سری از آزادی های شخص را محدود کرد، در غیر این مورد شخص مجرم به هر صورتی که باشد، جرم را انجام می دهد و این وضعیت را حالت خطرناک یاد کردند.^{۱۳}

اصلی ترین بنیانگذار این مکتب سزاز لمبروزو معرفی شده است.^{۱۴} به نظر او جرم پدیده ای است طبیعی و لازم، همانند زایش و بارداری، سزاز لمبروزو به این عقیده بود که عوامل درونی باعث وقوع جرم می شود و طی تحقیق که بر ۳۸۳ جمجمه و ۹۰۷ بزهکار زنده انجام داده بود، به این نتیجه رسید که شخص مجرم را می توان از روی ویژگی های جسمانی مانند استخوان بندی، شکل جمجمه و گوش ها تشخیص داد. انریکو فری نیز بنیانگذار جامعه شناسی جنایی و یکی دیگر از پایه گذاران مکتب تحقیقی بوده است. او اولین کسی است که پیشگیری از جرم و استفاده از جانشین های کیفری برای مهار جرایم و مقابله با بزهکاری را مطرح کرد، او نسبت به لمبروزو معتدل تر و واقع بین تر بوده است اگرچه لمبروزو جبر حاکم بر انسان را فقط ناشی از عوامل درونی فرد می دانست ولی انریکو فری علاوه بر عوامل درونی به عوامل فیزیکی و محیط اجتماعی هم توجه کرد ولی باز از تفکر جبرگرایی فاصله نگرفته است. یعنی اعتقاد داشت که انسان در ارتکاب جرم مجبور است. فری که نسبت به لمبروزو واقع بین تر بود ادعا کرد اعمال فرد همواره محصول ارگانیسم فیزیولوژیکی و روانی او و فضای فیزیکی و اجتماعی است که وی در آن زاده شده و زندگی می کند.

در این توضیح سه دسته عوامل به چشم می خورد. نخست، عوامل انسان شناختی مربوط به شخص بزهکار مثل خصوصیات شخصی، نژاد، جنس، طبقه اجتماعی و تعلیم و تربیت. دوم، عوامل محیطی مانند: آب و هوا، خاک، نظم روزها و شب ها و فصل ها و سوم، عوامل اجتماعی همچون تراکم جمعیت، مذهب، ساختمان خانواده و نظام آموزشی. او معتقد بود تا هنگامی که

۱۱ صانی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر طرح نو، ۱۳۸۲، ص ۱۱۷

۱۲ امامی، امید؛ مکتب تحقیقی و نقش این مکتب در تحولات جرم شناسی، فصلنامه های الکترونیکی پژوهش های حقوقی قانون یار، دوره اول، شماره

اول، بهار ۱۳۹۷

۱۳ گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴، ص ۵۵

۱۴ امامی، امید، همان، صص ۹ و ۱۰

شرایط زندگی تغییر نکرده است، تعداد جرایم ثابت می ماند و تشدید یا تخفیف مجازات، در کاهش یا افزایش جرایم موثر نیست. وی علل جسمی، محیطی و جغرافیایی را نیز از نظر دور نداشت و به آنها اعتقاد داشت.

بند دوم (مکتب جغرافیای جنایی از دیدگاه آموزه های مکتب محیط اجتماعی و فرهنگی دورکیم جامعه شناس معروف فرانسوی و بنیانگذار جامعه شناسی، علت همه رفتارهای غیر عادی را در محیط اجتماعی جستجو می کند و در نهایت عقیده دارد که بین جرم و فرهنگ محل وقوع جرم ارتباط وجود دارد. لاکاسانی و مانووریه منشا تبهکاری را در تاثیرات فرهنگی و اجتماعی یافته اند. طبق نظریه مکتبی که لاکاسانی پایه گذار آن است مجرم یک بیچاره نظام اجتماعی است و نقص سازمان اجتماعی او را در محیط خاصی نشو و نمو می نماید و وجود شرایط مساعد در محیط، موجب رشد و ظهور تبهکاری می گردد. لاکاسانی می گوید ((هر جامعه ای دارای تبهکاران مخصوص به خود است و تبهکاران مولود اجتماع هستند و اگر محیط اجتماعی آمادگی برای پروردن مجرم نداشته باشد فعالیت و رشد آنها عقیم می ماند)). ادوین ساترلند از جرم شناسان معروف آمریکاست. ایشان عقیده دارد اگر فردی در محیط مجاور خود در معرض عوامل جرم زا قرار گیرد تا غیر جرم زا، شانس و احتمال قانون شکنی اش افزایش می یابد. بعلاوه ساترلند اظهار می نماید که اشخاص در معرض عوامل جرم زا واقع می شوند که برای سهیم بودن در همان فرهنگ، علائق و عقایدی داشته باشند و در آن اشکال معینی از رفتار ضد اجتماعی و جنایی ممکن است مورد اغماض واقع شده و مردم احساس کنند که برای همناوایی به آنها نیاز دارند. در این راستا، پارکر، شاو و مک کی محققان آمریکایی ثابت کرده اند که در مناطق کثیف (محلات کثیف) همراه با از بین رفتن کنترل های اجتماعی که به وسیله آنها مردم به رعایت قیود نیز اعتقاد پیدا می کنند، اعمات جنایی به شکل طبیعی جلوه می کند. مرتن، مفهوم نظریه دورکیم را ماهرانه دوباره بررسی نموده و عقیده دارد اگر از لحاظ فرهنگی اهداف تجویز شده برای فرد غیر قابل حصول گردد (همینطور برای بیشتر افراد جوان و طبقه پایین پیش می آید) بین آنچه برای به ایده آل بودن پایدار می ماند و آنچه قابل حصول هست اختلاف حاصل می شود و نتیجه آن به سرخوردگی و سرکشی بعدی منجر می شود. آن دسته از مهاجران که در موطن و روستای خودشان مرتکب بزه نمی شوند ولی پس از مهاجرت دست به ارتکاب جرم و جنایت می زنند، به این دلیل است که این افراد در محل زندگی روستایی خود به علت کوچک بودن محیط، افراد شناخته شده ای هستند و محیط کوچک این حکم را دارد که ناخود آگاه همه، همدیگر را به دلیل آشنا بودن، زیر نظر دارند و برای همدیگر حکم پلیس را دارند اگر کسی در چنین محیط هایی به طور ناگهانی پولدار شود یا رفت و آمدهای غیر متعارف داشته باشد، سریعاً مورد سوال اهالی قرار می گیرند. این نظارت همگانی مانع از آن می شود که افرادی که در روستا هستند و مستعد برای ارتکاب جرم تربیت شده اند، بتوانند عمل مجرمانه ای انجام دهند. اگر چه ممکن است دست به جرایم کوچکی به قول معروف تخم مرغ دزدی زده باشند و مصون از تعقیب و مجازات هم باشند. لیکن همین افراد به محض این که از دیار خود خارج می شوند و به شهر بزرگ مهاجرت می کنند متوجه می شوند دیگر از آن نظارت ها خبری نیست. در نتیجه شرایط برای بروز شخصیت واقعی آنها مهیا می گردد.^{۱۵}

آلبرت کوهن طرفدار نظریه فشار اجتماعی ناشی از اختلافات فرهنگی می گوید اگر برخی افراد جامعه به هر دلیل دچار ناکامی منزلتی شوند یعنی فرصتهای قانونی برای کامیابی اجتماعی نداشته باشند، ممکن است از فرصتهای غیر قانونی برای تحصیل این منزلت استفاده کنند؛ از جمله فرصتهای غیر قانونی تشکیل گنگ ها یا دارو دسته هایی که منتهی می شود به خرده فرهنگ مجرمانه

بر اساس این نظریه علل وقوع جرم یا از طریق شرایط اقتصادی رخ می دهد یا از طریق اختلافات فرهنگی.^{۱۶}

¹⁵ www.samadyar.blogfa.com

^{۱۶} عظیم زاده، شادی؛ جزوه ی جامعه شناسی جنایی به گرد اوری صادق بابایی صوفحسن، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده پردیس علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، سال تحصیلی ۱۳۹۲ - ۹۳، ص ۲۸

جرم شناس دیگری به نام هانتینگ که روان شناس آلمانی تبار آمریکایی بود در سال ۱۹۴۸ با انتشار کتاب بزهدار و بزهدیده او، فصل آخر کتاب خود را به قربانی جرم اختصاص داده است. سوال اصلی او این بود که آیا بزهدیده در ارتکاب جرم نقشی دارد؟ وی بزهدیده را به سه دسته بزهدار - بزهدیده، بزهدیده بالقوه و بزهدیده مکرر تقسیم کرد.

از دیدگاه وی بزهدار - بزهدیده شخصی است که ابتدا بزهدیده واقع می شود اما در آینده خود نیز مرتکب جرم می شود. مثل بزهدیدگان جنسی که نوعاً به بزهداران جنسی تبدیل می شوند لذا از دیدگاه وی بزهداری و بزهدیدگی دو روی یک سکه هستند بنابراین اگر از بزهدیدگی پیش گیری شود در واقع از بزهداری پیش گیری شده است چون بزهدیدگان امروز بزهدیدگان فردا هستند. بزهدیده بالقوه از نظر آقای هانتینگ شخصی که به جهت ویژگی های شخصی و اجتماعی بیش از دیگران در معرض بزهدیدگی قرار دارد و بزهدیده مکرر کسی است که چندین بار متحمل جرم شده و دائماً قربانی جرم می گردد.^{۱۷}

به نظر می رسد که آقای هانتینگ نیز مانند دیگر جرم شناسان به تاثیر نظریه محیط جغرافیایی بر ارتکاب جرم توجه کرده است. مثلاً در دیدگاه بزهدار - بزهدیده اگر شخصی در یک محیط اجتماعی سالم زندگی کند و تربیت شود، نه تنها بزهدیده واقع نمی شود بلکه بزهدار نیز واقع نمی شود. او همچنین به تاثیر سن، موقعیت شغلی، نقش والدین نیز در ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم توجه نموده است.

بند سوم (مکتب جغرافیای جنایی از دیدگاه آموزه های مکتب اشباع جنایی

انریکو فری در مکتب تحقیقی یا اثبات گرایی در سال ۱۸۸۱ کتابی تحت عنوان (افق های نوین در حقوق کیفری) چاپ می کند بعدها کتاب او به نام جامعه شناسی جنایی تغییر نام می دهد. انریکو فری قاعده ای داشت به نام اشباع جنایی و فوق اشباع جنایی. بعداً این قاعده در نظریه دورکیم مهم ترین نظریه می شود. در هر جامعه ای یک ظرفیت معینی برای بزهداری وجود دارد. در واقع میزان معین و مستمر بزهداری در جامعه. او معتقد است حالت خطرناک فقط فوق اشباع جنایی است مثلاً در صد نفر، پنجاه نفر بزهدار می شوند. قاعده فوق اشباع جنایی زمانی است که میزان بزهداری در یک جامعه از حد نرمال و عادی خارج شود.^{۱۸}

در مکتب تحقیقی ایتالیایی اصل کلی آن است که نوع جبریت ما با عوامل زیستی و روانی همراه است. این عوامل زیستی و روانی از منظر لمبروزو امری ارثی است. آقای فری جبریت زیستی لمبروزو را تعدیل کرده و جرم را حاصل شرایط اجتماعی و فردی دانست. فری بر اساس مطالعات گری و کتله دو قانون را مطرح کرد. قانون اشباع جنایی و قانون فوق اشباع جنایی:

پس دیدگاه فری بی تاثیر از قانون حرارتی کتله و قانون نظم سالیانه در ارتکاب جرایم نبوده است که کتله قبلاً به آن اشاره کرد. فری در بحث قانون اشباع جنایی اعلام کرد که در یک محیط اجتماعی معین میزان مستمر و معینی از بزهداری وجود دارد و به موجب قانون فوق اشباع جنایی هرگاه در یک محیط اجتماعی یک واقعه غیر عادی رخ می دهد منجر به تغییر روابط اجتماعی می شود که این تغییر روابط باعث افزایش جرایم می شود. به محض این که این واقعه و آثارش تعدیل شود جریان بزهداری در آن جامعه آهنگ معمول خود را باز می یابد. به تعبیر فری در یک جامعه نیروهای طبیعی در همه جا حضور دارند که به ارتکاب جرم در زمان نظم می دهند. فری می گوید انسان فکر می کند آزاد است، اما این یک وهم است چون انسانها هر ساله باید تا میزان معینی مرتکب جرم شوند. این نیروهای طبیعی هستند که رفتار مجرمانه را باعث می شوند. به عبارت دیگر، فری واقعیت جنایی را در بوته آزمایش علمی سنجید. یعنی همانطور که مقدار معینی از یک ماده شیمیایی در یک حجم معین با گرمای معین، بدون آنکه اتمی کمتر یا بیشتر کاسته یا افزوده شود، حل می شود، در یک محیط اجتماعی معین با شرایط طبیعی و فردی معین نیز تعداد معینی جرم ارتکاب می یابد، نه کمتر و نه بیشتر. این قانون بر سرنوشت جوامعی حاکم هست که دوران آرامش و ثبات را می گذرانند، اما جوامعی که دستخوش نوساناتی مانند جنگ، قحطی، انقلاب

۱۷ عظیم زاده، شادی، همان، ص ۱۹

۱۸. نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ جزوه ی جامعه شناسی جنایی به گرد آوری مهدی صبوری پور، دوره کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نیم سال دوم سال تحصیلی ۱۳۸۳-۸۴، صص ۲۵ و ۲۶

و شورش شوند در این نظم تغییراتی حاصل خواهد شد و میزان جرایم افزایش خواهد یافت، همان گونه که محلول شیمیایی اشباع شده با افزایش درجه حرارت، کمیت بیشتری از ماده شیمیایی را در خود حل خواهد کرد در اینجا جامعه به مرحله فوق اشباع جنایی می رسد. بنابر این فری در کتاب افقهای نوین حقوق کیفری اصل کلاسیک مسئولیت کیفری را رد کرده و مسئولیت اجتماعی بدون تقصیر را پیشنهاد می کند که مبتنی بر درجه خطر اجتماعی است و به جای کیفر هم اقدامات دفاع اجتماعی را هماهنگ با مسئولیت اجتماعی پیشنهاد می کند که این اقدامات باید منطبق با خصوصیات بزهکار باشند.^{۱۹} گفتار دوم (نتایج مکتب جغرافیای جنایی توسط کتله و گری

سیر تکوینی شکل گیری علم جغرافیای جرم و جنایت از گذشته تا به امروز در طی سه دوره خلاصه می شود. دوره اول: تاثیر عوامل محیطی چون آب و هوا، باد، دما، عرض جغرافیایی، کوه، دشت و دریا و... در رابطه با کجروی های بشری، موضوع مطالعات جغرافیای جرم در این دوره را تشکیل می دهد. در واقع این مطالعات با رویکردی جبرگرایانه، ناهنجاری های اجتماعی را به عوامل محیطی نسبت می دهد.

دوره دوم: گری و کتله در سال ۱۸۳۳ نخستین پژوهشهای علمی جغرافیای جرم را با بهره گیری از اندیشه های اکولوژی اجتماعی انجام داده اند. کتله به کمک اعداد و ارقام، رابطه بین جرم و برخی متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و محیطی را نشان داد. این روند به وسیله متفکران مکتب اکولوژی اجتماعی شیکاگو در اوایل قرن بیستم ادامه یافت و برخی متغیرهای جمعیتی (ساخت جنسی و سنی) و اقتصادی (درآمد) و مشخصه های مکانی (مشخصات مناطق و محل سکونت مجرمان) را به آن اضافه کردند.

دوره سوم: از دهه ۱۹۹۰ علاقه و توجه فرآیندهای پژوهش های مربوط به مکان و جرم در محافل علمی جهان صورت گرفته است. به نظرمی رسد که موارد زیر مهمترین دلایل این توجه بوده است: افزایش قابل توجه میزان جرم و جنایت و ناهنجاریها در اکثر کشورهای جهان، پیشرفتهای فنی ابزارهای پژوهش جغرافیا، توسعه علمی نظریه های مکانی جرم در بررسی های جغرافیای جرایم شهری. با بررسی جغرافیای جرم به نظر می رسد چهار عامل کلیدی قانون، مجرم، قربانی جرم، و مکان جرم در شکل گیری کانون های جرم خیز در نقاط مختلف جغرافیایی از مهم ترین عوامل می باشند. آنچه مسلم است برخی مکانها به دلیل ساختار کالبدی خاص و همچنین ویژگی های اجتماعی، اقتصادی ساکنان آن، امکان و فرصت بیشتری برای وقوع جرم دارند. در نقطه مقابل، برخی مکانها مانع و بازدارنده فرصتهای مجرمانه هستند و همین امر موجب می شود تا بزهکاران در انتخاب محل جرم خود، به دنبال کترین و مناسب ترین فرصتها و شرایط مکانی برای ارتکاب عمل مجرمانه باشند. بنابراین شناسایی فرصت مکانی به وجود آورنده و تسهیل کننده این فرصتها و ارائه رهنمود برای تغییر این شرایط و تعدیل آن به فضاهای مقاوم در برابر ناهنجاری های اجتماعی از مهمترین اهداف بررسی های جغرافیای جرم در شهرها محسوب می شود نگاه اثباتی یا تحقیقی یا علمی به جرم در طول تاریخ رشته ما اشکال مختلفی به خود گرفته است. محققین مختلف چه از بعد جامعه شناسی و چه انسان شناسی و پزشکی با درجات مختلفی جرم را هم به عنوان پدیده ای ضد اجتماعی و هم به عنوان یک پدیده اخلاقی مذموم مورد مطالعه قرار داده اند. البته دیدگاههای آنها گاه مقابل هم قرار گرفته است. اولین رویکرد به جرم، رویکرد جغرافیایی و مطالعه تاثیر محیط فیزیکی با محیط طبیعی بر جرم بوده است. مکتب جغرافیای جنایی در سال ۱۸۳۰ به وجود آمد. این مکتب را کتله بلژیکی که ریاضیدان و متخصص آمار بود و گری که فرانسوی و حقوقدان بود، پایه گذاری کردند. کتله از طریق ریاضیات و آمار، رفتارهای انسانی را بررسی می کرد و در فرانسه، آمار جنایی را با کمک گری ایجاد کرد و ارتباط آن را با محیط فیزیکی مورد بررسی قرار دادند و به این ترتیب تاثیر جغرافیایی، شرایط جوی و آب و هوایی را بر رفتار انسانها و از جمله بر رفتارهای مجرمانه، مورد بررسی قرار دادند. این مکتب تا سال ۱۸۸۰ عمر کرد. از نظر تاریخی ابداع آمار جنایی در فرانسه، مطالعه جرم در بستر محیط جغرافیایی را تسهیل کرد. آمار جنایی برای نخستین بار توسط ناپلئون در

۱۹ سعیدی نژاد، یاسمن، جزوه ی جرم شناسی به گرد آوری صادق بابائی صوفحسن، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده پردیس علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، سال تحصیلی ۱۳۹۲-۹۳، صص ۳۴ و ۳۵

اوایل قرن نوزدهم در فرانسه به وجود آمد و گری مسئول شد تا آمار آراء محکومیت‌های کیفری دادگاه‌های فرانسوی را از سال ۱۸۲۵ به قول عده ای، و از سال ۱۸۲۶ به قول عده ای دیگر، جمع آوری و تنظیم کند. لذا اولین آمار جنایی، در مورد بزهکاری قانونی بود. این آمار در سال ۱۸۳۳ موضوع مطالعه ای در کتاب (آندره میشل گری) به نام ((جستاری در آمار اخلاقی فرانسه)) قرار گرفت. موضوع این کتاب مطالعه جرم بر اساس آمار محکومیت‌های کیفری محاکم فرانسه در سالهای بین ۱۸۲۵ تا ۱۸۳۰ بود. اما سوال این است که چرا این کتاب عنوان جستاری در آمار اخلاقی فرانسه را داشت در حالی که موضوع آن مطالعه آمار محکومیت‌های کیفری فرانسه بود؟

پاسخ این است که در آن عصر (اوایل قرن نوزدهم) هنوز حقوق کیفری و جرم با اخلاق و گناه رابطه نزدیک داشت. در ابتدا هر جرم گناه و هر گناه جرم محسوب می شد. لذا آقای آندره میشل گری و نیز آقای کتله که به آماردانان اخلاقی (آمارگران اخلاقی)

مشهور هستند جرم را عملی ضد اخلاقی می دانستند و لذا با مطالعه جرایم در فرانسه به دنبال برآورد میزان تخلق مردم به اخلاقیات بودند. چون جرم یک ضد اخلاق بود. این تحقیقات در پنج استان فرانسه انجام شد و سپس روی نقشه، منحنی بزهکاری بررسی شد. آقای آندره میشل گری به این نتیجه رسید که در آن دوره پنج ساله یک نظم سالیانه در آمار بزهکاری دیده می شود. در آن کتاب آقای گری یک نیمرخ از جرم و مجرمین ترسیم کرد. به موجب این سیمای جنوبی، محکومین دادگاه‌های کیفری فرانسه مذکر، جوان، شهری و از طبقه فقیر بودند. گری نتیجه گرفت که بر اساس این آمار پنج ساله، چه از نظر کمی و کیفی ما شاهد نوعی نظم و استمرار سالیانه در آمار هستیم. جرم و بزهکاری یک پدیده تصادفی نیست. بلکه پدیده ای است که از یک اصل تبعیت می کند. یک جبر آماری بر این مقوله حاکم است، یعنی بر اساس آمار، میزان بزهکاری تقریباً ثابت است. در ادامه تحقیق کتله و گری، در سال ۱۸۴۳ در بلژیک فردی به نام دوک پسیو کتابی به نام (شرایط فیزیکی و اخلاقی جوانان کارگر) تدوین نمود. در این کتاب او با آمار نشان داد که فقر و بحران اقتصادی که یکی از شاخص های آن بیکاری است رابطه معنا داری با بزهکاری دارد و نیز صنعتی شدن جامعه بر تعداد جرایم می افزاید. این دیدگاه را به جبریت اقتصادی تعبیر کرده اند. در همین وادی فرد بلژیکی دیگری به نام (بورت) در سال ۱۸۴۲ بر اساس مطالعات خود در لندن و پاریس، تنزل کیفیت شرایط کار به خاطر صنعتی شدن و کاهش قیمت‌ها و دستمزدها به دلیل رقابت شدید را به عنوان عوامل اصلی افزایش تعداد سرقتها و شورش‌های ناشی از قحطی و گرسنگی اعلام کرد. پس به تعبیر آقای بورت بزهکاری نتیجه سوء عملکرد اجتماعی است و دلایل آنرا باید در ساختار اجتماعی جستجو کرد (جبریت اجتماعی) ۲۰

الف) قانون حرارتی بزهکاری

بررسی های متکی به روش علمی و مبتنی بر اصول و روشهای آماری درباره محیط جغرافیایی و جرم برای اولین بار در نیمه اول قرن نوزدهم به وسیله کتله و گری صورت گرفته است. برخی منابع کتله را پدر آمار جنایی و از جمله پایه گذاران مکتب جغرافیای جنایت معرفی کرده اند و گفته می شود که تحقیقات او باعث شده تا جرم به عنوان یک پدیده اجتماعی تابع دو متغیر زمان و مکان شناخته شده بود.

کتله در کتاب خودش قانون حرارتی بزهکاری را ارائه کرد به این ترتیب که کتله با تحلیل آمار محکومیت‌های کیفری فرانسه به این نتیجه رسید که در فصول گرم و در مناطق جنوبی فرانسه میزان جرایم علیه اشخاص و هتک ناموس بیشتر است و در فصول سرد و در مناطق شمالی فرانسه میزان جرایم علیه اموال بیشتر است. لذا این تئوری را ارائه کرد که بزهکاری تابع شرایط فصول است. بنابراین با توجه به مطالعه و تحلیل آمار محکومیت‌های کیفری برای اولین بار توسط کتله و گری و بیان چرایی ارتکاب جرم از جانب این افراد عده ای از جرم شناسان کتله و گری را بنیان گذاران جرم شناسی علمی می دانند. ۲۱

بعدها قانون حرارتی و بزهکاری مورد تایید جرم شناس ایتالیایی فری قرار گرفت.

۲۰ نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ ماخذ پیشین، صص ۱۹-۲۲

۲۱ سعیدی نژاد، یاسمن، همان، ص ۴

ابن خلدون معتقد است که آب و هوا و محیط طبیعی از مهمترین عوامل به وجود آورنده شرایط اجتماعی است. منتسکیو نیز طرفدار عقیده ابن خلدون است و در خصوص محیط فیزیکی، در کتاب روح القوانین مطلبی نوشته است. او می گوید آب و هوا بر منش و خلق و خوی و آداب و رسوم انسانها تاثیر می گذارد. وهمانطور که طبیعت آب و هوا را با درجات عرض و طول جغرافیایی نمایش می دهند می توان به وسیله درجه حساسیت سکنه هر محل هم، طبیعت آب و هوا را تشخیص داد. عواملی را که بر فرد تاثیر می بخشد ناشی از محیط طبیعی (آب و هوای جغرافیایی)، فیزیولوژی (سن، جنس، نژاد) و اجتماعی (اشکال مختلف اجتماعی، سازمانها، مرتبه فرهنگی، شغل) می دانند. آگوست کنت معتقد است که محیط طبیعی به طور مداوم در روی اعضای بدن انسان و محیط اجتماعی تاثیر می گذارد. او این تاثیر را به دو صورت عملی می داند: الف - تاثیر فیزیکی مانند اثر گرما، سرما، فشار نور... ب - تاثیر شیمیایی مانند آب، تغذیه، هوا. لاکاسانی در این باره معتقد است که در ماه ژوئیه (مرداد) میزان ضرب و جرح و قتل به اوج خود می رسد. تجاوز به عنف در ماه می (اردیبهشت) زیاد میشود و در ماه دسامبر (آذر) به حداقل می رسد. نوزاد کشی در ماه های ژانویه، فوریه، مارس به بیشترین حد خود می رسد. با مطالعه دیگری در آمریکا در اواخر قرن هجده نشان داده شد که دمای هوا بر حالت عاطفی و احساس تاثیر می گذارد. فشار هوا جرایم خشونت آمیز را بالا می برد. رطوبت و جرایم خشونت آمیز بایکدیگر رابطه معکوس دارند. باران منجر به کاهش جرایم خشونت آمیزی شود. بادهای ملایم منجر به کاهش تعرضات مسلحانه می شود. این دیدگاهها امروز در جرم شناسی بیشتر جنبه تاریخی دارد اگر چه در آن زمان انقلابی بوده است. ۲۲

ب) قانون استمرار و تداوم جرم

پس از آندره میشل گری، آدولف کتله در کتابی تحت عنوان (جستاری در فیزیک اجتماعی) در سال ۱۸۳۵، بر اساس محاکم فرانسه تا سال ۱۸۳۳ و مطالعه در استان های مختلف با لحاظ تاثیر سن، جنس، سطح تحصیلات، فصول و مطالعه استمرار سالیانه بزهکاری و تناسب جرایم نتیجه گرفت که به طور مستمر نوعی تمایل به جرم یا میل مجرمانه وجود دارد و وی ثابت کرد که تمایلات مجرمانه تابعی است از نوسانات جمعیتی و اجتماعی. کتله و گری به طور ضمنی می خواهند بگویند نوعی جبریت در بزهکاری وجود دارد. جالب آن که آنها منکر آزادی اراده نیستند، اما معتقدند که گویی در جامعه یک سلسله عوامل طبیعی (فیزیکی)، وجود دارد که اراده های فردی عده ای را خنثی می کند. لذا کتله هم صحبت از جبریت آماری کرد. جبریت آماری که رفتار انسان را جهت می دهد. به این ترتیب کتله و گری با توجه به قانون استمرار سالیانه جرم و نظم سالیانه در ارتکاب جرم معتقدند که می شود گفت چند نفر مرتکب جرم خاص (مثلا قتل یا ایراد جرح) می شوند همان طور که می شود پیش بینی کرد که هر سال چند نفر متولد شده یا می میرند. کتله و گری جبر پنداران آماری بوده اند.

به عبارت دیگر می توان گفت که استفاده از الگوهای طبیعی برای تبیین پدیده های انسانی و مجرمانه، منجر به ارائه قانون ثبات نسبی بزهکاری یا قانون استمرار و تداوم جرم توسط آدولف کتله و گری شد. وی معتقد بود که اغلب قوانین مکانیک در جهان، همانندهایی در جهان معنوی دارند. وی با تکیه بر آمار سالانه بزهکاری، معتقد بود که پدیده بزهکاری دارای ثبات است و از توازن در حرکت برخوردار است، یعنی پدیده مجرمانه با نظم کامل تکرار می گردد، لذا می توان آنرا پیش بینی نمود. اما ظاهرا چنین بر می آید که این اثبات یک امر ساختگی و غیر واقعی است و به تعبیر برخی جرم شناسان، این ثبات به اشباع دستگاه پلیس و سازمان های قضایی منتسب است. به این معنا که آنچه در آمار قضایی منعکس می شود شاخص میزان کارایی و فعالیت این سازمانها تلقی می شود نه شاخص بزهکاری واقعی. لذا چنانچه امکانات دستگاه قضایی ثابت فرض شود، این بازده از یک حداقل و یک حداکثر مشخص تجاوز نخواهد کرد.

کتله و گری با مطالعه آمار و جرایم در سال های مختلف مورد مطالعه خود در فرانسه به این نتیجه رسیدند که نرخ جرم در جامعه همواره دارای ثبات است و اگرچه دارای نوسان است اما نوسان آن فاحش نیست. مثلا اگر در سال (۹۰) هزار فقره قتل اتفاق افتاد، در سال (۹۱) حداکثر ۱۲۰۰ فقره اتفاق می افتد. ثبات و استمرار جرم در جامعه نشان گر آن است که جرم ذاتی

اجتماعی است و جرم به تعبیراگوست کنت پدیده به هنجار و حتی جرم برای دوام جامعه مفید است و کتله معتقد است که جرم در جامعه همواره بوده است و خواهد بود و امکان محو آن میسر نیست.^{۲۳}

کتله از مقایسه آمار جرایمی که در طول سال های ۱۸۲۶ - ۱۸۳۰ میلادی در کشور فرانسه اتفاق افتاده بود، نوعی ثبات و استمرار در نرخ جرم را کشف کرد و بدین وسیله اولین بار اعلام نمود که نرخ جرم در هر جامعه و محیط اجتماعی دارای ثبات است. بدین مضمون که هر جامعه گنجایش و ظرفیت وقوع تعداد خاص جرم را دارد. وی اعلام نمود، درست است که نرخ جرم خاص مثل قتل در طول سال های مختلف در یک جامعه با همدیگر تفاوت دارد، اما این نوسان فاحش نیست و نرخ جرم در سال های مختلف به جز در زمانی که جامعه با بحران های اجتماعی مواجه شود ثبات دارد. بر مبنای همین نظر ایشان اعلام کرد که همانطور که می توان پیش بینی کرد در سال زراعی جاری، تقریباً چه میزان محصول خاص برداشت می شود، می توان پیش بینی نمود که در سال آینده چند فقره تصادف رانندگی منجر به فوت یا چند فقره قتل عمدی واقع می شود. وی همچنین به همین دلیل معتقد بود که می شود بودجه جنایی یعنی بار مالی ناشی از وقوع جرم را از قبل پیش بینی نمود.^{۲۴}

همچنین ایراداتی به نظریه قانون ثبات و استمرار جرم وجود دارد. بر طبق این نظریه، ثبات نسبی بزهکاری قضایی شاخص نوعی ثبات در میزان بزهکاری واقعی است. لذا اگر آمار قضایی بزهکاری را تابعی از تغییرات بزهکاری واقعی تلقی کنیم در این صورت فرض ثبات تحقق خواهد یافت و می توان گفت که رقم سیاه بزهکاری تقریباً متناسب با محکومیت های کیفری در مراجع قضایی است. اما واقعیت این است که این اثبات امری کاملاً ساختگی و واقعه ای بیگانه نسبت به رویدادهای جنایی است. جرم شناسان معاصر این ثبات را به اشباع دستگاه پلیس و سازمان های قضایی منتسب می دانند. بدین معنی که بازده کار آنها را با توجه به امکانات مادی و انسانی می سنجند یعنی آنچه در آمار قضایی می آید در واقع شاخص میزان کارایی و فعالیت این سازمانها تلقی می کنند نه شاخص بزهکاری واقعی. بدیهی است چنانچه امکانات دستگاه قضایی ثابت فرض شود این بازده از یک حداقل و یک حداکثر تجاوز نخواهد کرد. از طرفی به نظر می رسد که فرضیه ثبات درباره گونه هایی از رفتار جنایی صادق باشد. به نظر می آید آمار جرایم علیه اشخاص کمتر از جرایم علیه اموال از عوامل و دگرگونی های اجتماعی تاثیر می پذیرد. لذا ثباتی که در این گونه جرایم به چشم می خورد نمی تواند جز از عوامل زیستی - روانی از عوامل دیگر سرچشمه گرفته باشد. البته این به معنای نفی تاثیر عوامل اجتماعی در ارتکاب این گونه جرایم نیست اما چنین می نماید که عوامل اجتماعی و موقعیت های وقوع بزه در بروز این گونه رفتارها زمینه ساز نیست و به هر تقدیر وقوع این جرایم در هر شرایطی محترم به نظر می رسد. تصور این که همواره جرایم معدودی در یک جامعه خاص ارتکاب می یابد و از پیش می توان آنرا در یک برهه زمانی تعیین کرد هر چند از نظر منطق تجربه اجتماعی با واقعیت منطبق است لیکن ضرورت آن کاملاً آشکار نیست. شاید پذیرش این موضوع که در جامعه افرادی با زمینه های روانی و آمادگی های زیستی مستعد ارتکاب پاره ای جرایم خاص اند به صواب نزدیک تر باشد. اما باید اثبات کرد که درصد این گروه از افراد نسبت به کل جمعیت همواره تعدادی است ثابت. به هر حال این عقیده نیز در میان جرم شناسان پیروانی دارد که عوامل درونی جرم را از نسلی به نسل دیگر انتقاد می پذیرد و اثر این تداوم در آمار جنایی مشهود است.^{۲۵}

نتیجه گیری

نگارنده با مطالعات و بررسی های مختلفی که انجام داده چنین استدلال می کند که نظریات هر یک از جرم شناسان در اصل موضوع مشترک ولی اختلاف نظر ظاهری هم دارند. نظر نگارنده با آموزه های مکتب تحقیقی در این خصوص سازگاری دارد و آموزه های مکتب تحقیقی را از نظر پذیرش بالاتر از آموزه های مکتب جغرافیای جنایی و دیگر آموزه ها قرار داده چرا که در

۲۳ حاتمی نژاد، حسین؛ محمدی، روح الله؛ همان، ص ۲۱

Ibid ۲۴

۲۵ نجفی ابرند آبادی، علی حسین، همان، صص ۲۹ و ۳۰

تایید آموزه های مکتب تحقیقی باید گفت که این مکتب علاوه بر شرایط آب و هوایی به شرایط دیگری چون محیط خانوادگی ، اقتصادی ، علمی ، فرهنگی ، بیکاری ، اشتغال و... اشاره نموده است .

همچنین در تقویت و پذیرش آموزه های مکتب تحقیقی می توان گفت که فقط شرایط آب و هوایی نیست که باعث وقوع جرم می شود بلکه شرایط دیگر چه بسا نقشی مهم تر از وضعیت آب و هوایی دارند . اما در رد آموزه های مکتب جغرافیایی جنایی چنین استدلال می شود که آموزه های مکتب جغرافیایی جنایی فقط به سردی و گرمی هوا در وقوع جرم توجه کرده است به همین خاطر دو نفر از طرفداران این آموزه ها به بنیانگذاران مکتب جغرافیایی جنایی مشهور شدند . اما نتیجه تحقیقات آنان باید به مراتب به وقوع جرم بیشتر از سردی و گرمی هوا معطوف شد . به نظر میرسد آمار جنایی دادگستری بیانگر بزهکاری واقعی که در یک جامعه به وقوع می پیوندد نیست و آمار جنایی تعداد کسانی را که تبرئه می شوند نشان نمی دهد و چون تعداد تبرئه شدگان را نشان نمی دهد پس چگونه می توان به طور دقیق متوجه شد که در قسمت شمال شهر جرایم علیه اموال و در قسمت جنوبی شهر جرایم علیه اشخاص به چه میزان بوده است بنابر این با یک نوع آمار جنایی اشتباه روبه رو خواهیم شد .

منابع

الف (کتاب ها

۱. نجفی توانا ، علی ، جرم شناسی ، انتشارات آموزش و سنجش ، تهران ، چاپ پانزدهم ، ۱۳۹۱
۲. صانی ، پرویز ، حقوق جزای عمومی ، نشر طرح نو ، تهران ، ۱۳۸۲
۳. کاوه ، محمد ، آسیب شناسی بیماری های اجتماعی ، نشر جامعه شناسان ، تهران ، ۱۳۹۱
۴. گلدوزیان ، ایرج ، بایسته های حقوق جزای عمومی ، نشر میزان ، تهران ، ۱۳۸۴

ب (مقاله ها

۵. حاتمی نژاد ، حسین ؛ محمدی ، روح الله ؛ جغرافیای جنایی ، مجله نور مگز ، شماره ۶۹ ، بهار ۱۳۸۸
۶. ناروقه ، نعمت الله ؛ اله وردی میگوویی ؛ کاظمی جویباری ، مهدی ؛ فصلنامه لمی - پژوهشی و بین المللی انجمن جغرافیایی ایران ، شماره ۶۷ ، زمستان ۱۳۹۹
۷. امامی ، امید ؛ مکتب تحقیقی و نقش این مکتب در تحولات جرم شناسی ، فصلنامه های الکترونیکی پژوهش های حقوقی قانون یار ، دوره اول ، شماره اول ، بهار ۱۳۹۷

ج (جزوات

۸. عظیم زاده ، شادی ؛ جزوه ی جامعه شناسی جنایی به گرد آوری صادق بابایی صوفحسن ، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی ، دانشکده پردیس علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس ، سال تحصیلی ۱۳۹۲ - ۹۳
۹. نجفی ابرند آبادی ، علی حسین ؛ جزوه ی جامعه شناسی جنایی به گرد آوری مهدی صبوری پور ، دوره کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی ، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی ، نیم سال دوم سال تحصیلی ۱۳۸۳ - ۸۴
۱۰. سعیدی نژاد ، یاسمن ، جزوه ی جرم شناسی به گرد آوری صادق بابائی صوفحسن ، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی ، دانشکده پردیس علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس ، سال تحصیلی ۱۳۹۲ - ۹۳
۱۱. ابراهیمی ، حامد ، جرم شناسی تحقیقی ، پایگاه اینترنتی حقوقدانان ، به آدرس الکترونیکی حقوقدانان

د (سایت های اینترنتی

12. [www. RASEKHON.NET / ARTICLE](http://www.RASEKHON.NET / ARTICLE)
13. www.samadyar.blogfa .com
14. www. Moaydilawyer. com